

Examining Clauses in Foreign Investment Agreements and Intellectual Property Rights

Seyedeh Zahra Paziresh¹  | Aida Mokhtare²  | Yashar Tahery³ 

1. MA student in Department of private law Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran. zahraapaziresh1379@gmail.com
2. Assistant professor, Faculty member in Department of private law Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran, (Corresponding author), dr.mokhtare@apadana.ac.ir
3. Assistant professor, Department of private law Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran, yashartahery@gmail.com

Article Info

Article type:
Scientific

Received:
2024/12/18

Received in revised form:
2025/02/26

Accepted:
2025/03/02

Keywords:

Investment clauses, foreign investment, intellectual property rights.

Abstract

Foreign direct investment (FDI) has become a necessity for development, particularly in developing countries. As a result, governments continuously strive to attract foreign investment through competition. There has been a growing trend toward including anti-corruption clauses in international investment and commercial contracts. Some treaties, such as the Trans-Pacific Partnership (TPP), contain substantive and procedural obligations, including criminalizing corruption, promoting integrity among public officials, and raising public awareness about the risks of corruption in investment. Bilateral investment treaties (BITs) serve as instruments for attracting foreign capital by providing incentives and appropriate behavioral standards to protect foreign investors against issues such as non-discrimination, commitment guarantees, expropriation, profit repatriation, and dispute resolution mechanisms. The Islamic Republic of Iran has recently ratified 61 bilateral agreements on mutual promotion and protection of foreign investments with various countries in the Islamic Consultative Assembly (Parliament). The objective of this research is to examine the clauses in foreign investment agreements and intellectual property (IP) rights. Given the nature of the subject, this study adopts a descriptive-analytical methodology. Accordingly, this research seeks to analyze the clauses included in bilateral foreign investment agreements concerning the protection of intellectual property rights under Iranian law.

How To Cite

Paziresh, Seyedeh Zahra, Mokhtare, Aida, Tahery, Yashar. (2025). Examining Clauses in Foreign Investment Agreements and Intellectual Property Rights. *Journal of Judgment*, 121(1), 83-111. <http://doi.org/10.22034/judg.2025.2048437.1361>

DOI

[10.22034/judg.2025.2048437.1361](https://doi.org/10.22034/judg.2025.2048437.1361)



©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province

بررسی شروط در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری خارجی و مالکیت فکری

سیده زهرا پذیرش^۱ | آیدا مخترع^۲ | یاشار طاهری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران، رایانامه: zahraapaziresh1379@gmail.com
۲. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: dr.mokhtare@apadana.ac.ir
۳. استادیار مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران، رایانامه: yashartahery@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	امروزه سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم از الزامات توسعه به خصوص در کشورهای در حال توسعه است. به همین دلیل دولت‌ها همواره برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در تلاش و رقابت‌اند. گرایش به درج شروط قراردادی مقابله با فساد در قراردادهای سرمایه‌گذاری و تجاری بین‌المللی را نشان داده است. برخی از معاهدات، مانند پیمان تجاری اقیانوس آرام (معاهده شراکت ترنس پسیفیک)، حاوی تعهدات ماهوی و رویه‌ای از قبیل جرم‌انگاری فساد، ارتقای صداقت در بین مقامات دولتی و افزایش آگاهی عمومی درباره خطر فساد در سرمایه‌گذاری است. معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری از ابزارهای جذب سرمایه خارجی است که در آنها مشوق‌ها و استانداردهای رفتاری مناسبی برای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در قبال مسائلی مانند عدم تبعیض، تضمین تعهدات، سلب مالکیت، انتقال اواید و مرجع حل و فصل اختلافات داده می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر تعداد ۶۱ قانون موافقت‌نامه دوجانبه با حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای مختلف را در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسانده است؛ هدف از این پژوهش بررسی شروط در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری خارجی و مالکیت فکری است. روش تحقیق حاضر برحسب ماهیت موضوع، از نوع توصیفی-تحلیلی است. از این‌رو در این پژوهش تلاش شده است شروط مندرج در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی بر حمایت از حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران بررسی شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲	
کلیدواژه: شروط سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری خارجی، مالکیت فکری.	
استناد	پذیرش، سیده زهرا، مخترع، آیدا، طاهری، یاشار. (۱۴۰۴). بررسی شروط در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری خارجی و مالکیت فکری، فصلنامه قضاوت، ۱۲۱(۱)، ۸۳-۱۱۱. http://doi.org/10.22034/judg.2025.2048437.1361
DOI	10.22034/judg.2025.2048437.1361
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

مقررات حمایتی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به‌طورکلی برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها، بدون هرگونه تمرکز خاص بر حقوق مالکیت فکری توسعه‌یافته‌اند. مقررات حمایتی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و مقررات حمایتی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری (برای مثال موافقت‌نامه تریپس^۱) در کنار هم وجود دارند؛ اما میزان و اندازه تعاملات بین این دو نوع نهاد حقوقی موجود مبهم است؛ بنابراین نمی‌توان این احتمال را رد کرد که استانداردهای حمایت از حقوق مالکیت فکری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری یا بخش‌های سرمایه‌گذاری موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد حمایت سخت‌گیرانه‌تر و وسیع‌تری برای حقوق مالکیت فکری نسبت به موافقت‌نامه تریپس در دسترس قرار می‌دهند و لذا استانداردهای تریپس^۲ پلاس را مقرر می‌کنند. علاوه بر این، ممکن است حمایت حقوق مالکیت فکری بر اساس موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی دولت‌ها را به اتخاذ استانداردهای بالاتری مجبور کند که این اجبار به‌صورت غیرمستقیم و ناملموس بر دولت‌ها تحمیل می‌شود؛ یعنی از طریق اقامه دعوی سرمایه‌گذاران علیه دولت که به‌وسیله آن فضای سیاسی دولت برای قانون‌گذاری داخلی تضعیف می‌شود. این وضعیت ایجاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، که به‌عنوان ابزار دیگری در دستان کشورهای توسعه‌یافته صادرکننده سرمایه قرار گرفته، مورد انتقاد واقع شده است (Betram, 2010). در واقع می‌توان گفت گسترش معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری پدیده بزرگ بین‌المللی در ارتقای استانداردهای بین‌المللی حقوق مالکیت فکری پس از تریپس بوده است. معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به گسترش خود ادامه می‌دهند و مقررات حقوق مالکیت فکری را با استحکام بیشتری نسبت به دهه قبل در خود جای می‌دهند (Alan, et al, 2019). همین گنجاندن حقوق مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری (معاهدات سرمایه‌گذاری و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد) لزوم بررسی تعاملات حقوق مالکیت فکری و موافقت‌نامه تریپس (به‌عنوان رژیم حقوقی حاکم بر حقوق مالکیت فکری) را با حقوق سرمایه‌گذاری بیش از پیش مطرح می‌کند. همچنین حمایت‌های ارائه‌شده در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، که قابل اجرا برای حقوق مالکیت فکری است و تأثیری که شروط مندرج در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری بر حقوق مالکیت فکری دارد، شایسته بحث و بررسی است. امروزه نقش حقوق مالکیت فکری در تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فناوری در اقتصاد کشورهای جهان بر کسی پوشیده نیست. به‌طورکلی نظام مالکیت فکری به‌عنوان یکی از مسائل زیربنایی اقتصاد جهانی

1. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights

2. Thrips

و ابزاری مهم برای توسعه پایدار برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته معرفی شده است. همچنین حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت فکری عامل بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی است که برای توسعه پایدار امری حیاتی محسوب می‌شود.

۱. شروط داخل در موافقت‌نامه‌های دوجانبه

موافقت‌نامه‌های انتقال فناوری و قراردادهای لیسانس از جمله موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌روند که به مسئله انتقال فناوری و حقوق مالکیت فکری مربوط‌اند. امروزه هدف از اکثر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جذب هرچه بیشتر فناوری است و این امر از طریق کانال‌های مختلف صورت می‌پذیرد. این انتقال اصولاً از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین از طریق قراردادهای لیسانس انجام می‌شود. البته کانال‌های فراوان دیگری نیز برای انتقال فناوری وجود دارد؛ اما به دلیل اینکه خارج از بحث این تحقیق است به آنها پرداخته نمی‌شود.^۱ از آنجایی که اصولاً انتقال فناوری از طریق قراردادهای لیسانس صورت می‌گیرد و به عبارتی قراردادهای لیسانس خالص‌ترین و متداول‌ترین قرارداد انتقال فناوری محسوب می‌شوند، در این گفتار به این موضوع پرداخته شده است.

۱-۱. شرط انتقال فناوری

طرح این مسئله ضروری است که اگر قرارداد لیسانس در زمینه انتقال فناوری بین دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی منعقد شود (با فرض وجود معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بین دولت کشور میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار)، آیا طرفین و به خصوص سرمایه‌گذار قادر به استناد به معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خواهد بود؟ آیا می‌تواند خواهان حمایت‌های مندرج در معاهده از جمله رفتار ملی، ملت کامل‌الوداد،^۲ رفتار منصفانه و عادلانه و حمایت در برابر مصادره و غیره باشد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها نیاز است بار دیگر به تعاریف سرمایه‌گذاری مندرج در معاهدات مراجعه و این امر بررسی شود که آیا قراردادهای لیسانس جزو مصادیق سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند یا خیر. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شده است، اکثر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری حقوق مالکیت فکری را در تعریف سرمایه‌گذاری گنجانده‌اند. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که اکثر این معاهدات لیسانس‌ها را نیز به عنوان مصادیقی از سرمایه‌گذاری عنوان می‌کنند؛ برای مثال، معاهده

۱. در این زمینه برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: نقش حقوق مالکیت فکری در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

2. The condition of the nation is complete

سرمایه‌گذاری دوجانبه آمریکا و اروگوئه (۲۰۰۵) در ماده (۱) پس از تعریف سرمایه‌گذاری، به مصادیقی از آن نیز اشاره می‌کند که یکی از مصادیق اشاره‌شده لیسانس‌ها هستند.^۱ در الگوی معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا (۲۰۰۴) نیز لیسانس‌ها به‌عنوان مصداقی از سرمایه‌گذاری پس از حقوق مالکیت فکری عنوان شده‌اند. بنابراین باید ابتدا این موضوع بررسی شود که آیا قراردادهای لیسانس در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دو کشور مصداق سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند یا خیر؛ اگر از مصادیق سرمایه‌گذاری باشند، مشمول حمایت‌های مندرج در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خواهند بود و در غیر این صورت خیر. اصولاً این موضوع زمانی قابلیت طرح پیدا می‌کند که حمایت‌های ارائه‌شده در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری نسبت به حمایت‌های مندرج در قرارداد لیسانس بالاتر باشند و برای سرمایه‌گذار نفعی از این توسل به مقررات و استانداردهای حمایتی مندرج در معاهده متصور باشد (عامری، ۱۳۹۵).

یکی از شروطی که ممکن است در قراردادهای لیسانس پیش‌بینی شود، تعهد به انتقال ورقه‌های اختراع و دانش فنی «تکمیلی یا اصلاحی» است. امروزه معمولاً شرط انتقال اختراع‌های تکمیلی یا دانش فنی پیشرفته به‌ویژه در قراردادهای بین‌المللی لیسانس از شروط تیب به‌شمار می‌رود و طرفین آن را پیش‌بینی می‌کنند. حال اگر در قرارداد لیسانسی چنین شرطی پیش‌بینی نشده باشد، آیا طرفی که شرط، در صورت وجود در قرارداد، به نفع او بود، می‌تواند به رفتار کامل‌الوداد مندرج در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری به‌منظور بهره‌مندی از تعهد مذکور در قرارداد لیسانس دیگر متوسل شود که آن کشور با کشور ثالث منعقد کرده است و از این طریق بتواند حمایت موردنظر را اخذ کند؟ در این زمینه به نظر می‌رسد، در صورتی که شرط موردنظر از شروطی باشد که معمولاً در قراردادهای لیسانس پیش‌بینی می‌شود و همچنین اگر قراردادهای لیسانس در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دو کشور (با فرض وجود معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری معتبر بین دو کشور) به‌عنوان سرمایه‌گذاری قابل حمایت باشد، بتوان از شرط ملت کامل‌الوداد به‌عنوان مدخلی برای کسب حمایت بیشتر و بهره‌مندی از شرط موردنظر استفاده کرد. در کل باید عنوان کرد با وجود شرایط اشاره‌شده حمایت‌های مندرج در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری و استانداردهای مذکور در آن برای مسئله انتقال فناوری قابلیت اجرا پیدا می‌کند که در واقع مصداقی از مالکیت فکری است (نایب‌زاده، ۱۳۹۶).

۱. سرمایه‌گذاری به معنای هر دارایی است که یک سرمایه‌گذار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تصرف و کنترل دارد.... اشکالی که یک سرمایه‌گذاری ممکن است در قالب آن انجام شود، شامل این موارد است:
الف) حقوق مالکیت فکری (ب) لیسانس‌ها، مجوزها،...

۱-۲. شرط داوری

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاران حق تعقیب دولت کشوری را می‌دهد که سرمایه‌گذاری در آن صورت گرفته است. این رژیم حل و فصل اختلاف اساساً متفاوت از مکانیزم حل اختلاف دولت - دولت ایجاد شده تحت نظارت سازمان تجارت جهانی است. قضاوت اختلافات تحت معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری عموماً از طریق محاکم داوری انجام می‌شود که در سیستم قضایی طرفین ریشه ندارد، بلکه مطابق با قواعد کمیسیون سازمان ملل متحد در تجارت بین‌الملل (آنسیترال) یا عموماً تحت نظارت مرکز بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید) صورت می‌گیرد (Carlos, 2019: 155-156).

بر اساس موافقت‌نامه تریپس، فقط کشورهای عضو می‌توانند به رویه حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی متوسل شوند. ماده (۶۴) موافقت‌نامه تریپس (با عنوان حل و فصل اختلاف) به موجب تفاهم‌نامه سازمان تجارت جهانی در مورد قواعد و آیین‌های دادرسی محاکم بر حل اختلاف، مشاوره و حل و فصل اختلاف تریپس را مقرر می‌کند که به‌نوبه خود برای اختلافات به موجب موافقت‌نامه تریپس نیز اعمال می‌شود و در واقع حل اختلاف بین دولت - دولت است (Lahara, 2010: 11). همان‌گونه که بسیاری از محققان اشاره کرده‌اند، تلاش‌های جانب‌دارانه برخی مزایا را به همراه دارد و البته مشکلاتی سازمانی مهمی را هم به وجود می‌آورد. مزیت اصلی جانب‌داری ناشی از این واقعیت است که کشور متبوع سرمایه‌گذار به‌عنوان فیلتر عمل می‌کند که از طریق آن هرگونه پتانسیل دعوای تریپس باید پذیرفته شود. این امر تضمین می‌کند که کشور متبوع سرمایه‌گذار، که به نمایندگی از سرمایه‌گذار مال فکری عمل می‌کند، بتواند عواقب حمایت دیپلماتیک یک ادعا را در برابر کشور خارجی ارزیابی کند. اما این مهم جایی محقق می‌شود که منافع سرمایه‌گذار و کشور متبوع درگرو هم و در یک راستا باشند. اما جایی که منافع دارنده از منافع دولت دور می‌شود، این مشکل برای سرمایه‌گذار مالی فکری به وجود خواهد آمد که چگونه از منافع خود دفاع کند، با توجه به اینکه حق دسترسی اشخاص خصوصی تحت رژیم تریپس پیش‌بینی نشده است (Brown, 2022: 157).

مؤسسان سازمان تجارت جهانی صرفاً صلاحیت رسیدگی به اختلافات کشورها را به رکن حل اختلاف سازمان مذکور اعطا کرده‌اند و کشورها مانند فیلتری محسوب می‌شوند که افراد فقط از طریق آنها می‌توانند نزد رکن حل اختلاف طرح دعوا کنند و رکن مذکور فاقد هرگونه صلاحیتی در جهت حل و فصل اختلافات میان افراد است. از سوی دیگر، مکانیزم حل اختلاف تریپس با گستردگی دامنه صلاحیت و الزامی و اجباری بودن صلاحیت، موجب محدود شدن حاکمیت کشورهای عضو می‌شود و آزادی عمل آنها را نیز تا حد زیادی از بین می‌برد (میرحسینی، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۸). بنابراین

با توجه به این مشکلات سازمانی، سرمایه‌گذار نیاز به برخی منابع جایگزین دارد. گزینه‌های دادرسی قضایی در بهترین حالت ضعیف‌اند. اقامه دعوا علیه کشور ناقض حق مالکیت فکری در دادگاه‌های خود آن کشور (دادگاه اقامتگاه) گزینه چندان جذابی نیست. براساس قوانین داخلی خود آن کشور، ممکن است حاکمیت مصون از تعقیب باشد؛ حتی اگر این‌گونه هم نباشد، نگرانی‌ها در مورد دادگاه داخلی کشور میزبان یا پشتیبانی قضایی ممکن است دارنده مال فکری را از این باور ناامید کند که می‌تواند یک استماع عادلانه را دریافت کند (Brown, 2022: 157).

شکایت دارنده مال فکری در دادگاه‌های داخلی خود دارنده ممکن است کمی جذاب باشد؛ اما این گزینه هم مشکلات زیادی به وجود می‌آورد، اگرچه ممکن است نگرانی دادگاه اقامتگاه از بین برود (حتی ممکن است به نفع سرمایه‌گذار عمل کند)؛ البته قواعد مصونیت دولت در این زمینه هم ممکن است مانع صلاحیت دادگاه داخلی شود. علاوه بر این، با توجه به مشکلات حمایت دیپلماتیک، سرمایه‌گذار به‌سختی می‌تواند اطمینان داشته باشد که دولت خودش، اگر از دادگاه‌های داخلی درخواست شود، نگاه مطلوب‌تری به شکایت یا حمایت از آن خواهد داشت. سرانجام اجرا و انجام نهایی رأی ممکن است مشکل را ثابت کند یا به دلیل محدودیت‌های داخلی در اجرای رأی در برابر اموال مستقل خارجی یا به دلیل فقدان یک معاهده سرمایه‌گذاری بین دولت محل دادگاه و دولت محل وقوع مال (Brid, 2018: 25).

با توجه به محدودیت رژیم‌های حمایتی، رژیم سرمایه‌گذاری بین‌المللی به‌عنوان جایگزین مناسبی شروع به ظهور کرد. از زمان پایان جنگ جهانی دوم، که کشورها به‌دنبال ایجاد شرایط قانونی لازم برای تسهیل سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج از مرزها بوده‌اند، مدل‌های اولیه برای رأی انجام معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری توسعه داده‌اند. برای تسهیل سرمایه‌گذاری معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری حقوق مختلفی را به سرمایه‌گذاران تعمیم می‌دادند؛ مثل حق رفتار برابر و منصفانه یا حق برای جبران خسارت و دریافت غرامت در مورد مصادره سرمایه‌گذاری، درحالی‌که در یک زمان مشروط به رژیم طرف‌داری بودند (Bryan, 2016: 57). امروزه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و اکثر موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد معمولاً به سرمایه‌گذار برای آغاز رسیدگی‌های داوری به‌طور مستقیم علیه کشور میزبان اجازه می‌دهند.

پیش‌بینی شیوه‌های حل و فصل اختلاف ایجادشده بین سرمایه‌گذار خارجی و دولت میزبان حکایت از قصد طرفین معاهده دارد، مبنی بر اینکه این امکان را در اختیار سرمایه‌گذار خارجی قرار داده است تا به‌صورت مستقیم از حقوق خود تحت معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری دفاع کند و در این راه وابسته به حمایت دیپلماتیک توسط دولت متبوعش نباشد. در واقع این‌گونه شیوه‌های حل و فصل اختلاف به سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی شخصیتی تحت حقوق بین‌الملل اعطا می‌کند که نه تنها

از اهلیت تمتع برای بهره‌مندی از حقوق و مزایا برخوردار می‌شوند، بلکه برای آنها امکان استیفا و اعمال این حقوق را نیز فراهم می‌کند. همین امر تضمینی بسیار قوی برای سرمایه‌گذار بوده که دولت میزبان تعهدات خود را در برابر او ایفا می‌کند و در نهایت منجر به افزایش سطح قطعیت و اطمینان در فضای تجاری می‌شود که سرمایه‌گذار خارجی برای فعالیت در کشور میزبان به آن نیاز دارد.

به‌خصوص که شیوه‌های حل و فصل اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت باعث می‌شود که اختلاف ایجاد شده هر چه بیشتر بر مبنای رویکردهای حقوقی حل و فصل شود و اختلافی تجاری تبدیل به اختلافی سیاسی بین دو دولت نشود که در آن صورت قطعاً منافع سرمایه‌گذار در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرد و در نتیجه در بسیاری از موارد، منافع او قربانی روابط سیاسی بین دو کشور می‌شود. اما با اعمال این روش نه تنها از منافع و حقوق سرمایه‌گذار به‌نحو مطلوبی حمایت می‌شود، بلکه روابط سیاسی دو دولت نیز دچار خدشه نمی‌شود (حسیبی، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۱۵۱).

در بررسی رویه قضایی ایکسید یا همان مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، فقط به یک مورد برخورد می‌شود که رسیدگی به اختلاف مالکیت فکری را به این مرکز محول کرده است: قضیه شرکت شل علیه نیکاراگوئه (اگرچه منجر به صدور رأی نمی‌شود) (Vivas-Eugui, 2021: 66-67). در واقع این قضیه تنها دعوایی است که رسیدگی به اختلاف مربوط به مالکیت فکری را در داوری ایکسید درخواست کرده است که مبتنی بر حل اختلاف دولت و سرمایه‌گذار است. شرکت شل دعوایی را علیه دولت نیکاراگوئه برای نقض معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری نیکاراگوئه-هلند در واکنش به مصادره ادعایی لوگو و نام تجاری اقامه کرد. مطابق ادعای شل، نیکاراگوئه علائم تجاری شل را در تلاش برای اجرای حکم ۴۸۹ میلیون دلاری صادر شده در سال ۲۰۰۱ توسط دادگاه نیکاراگوئه در دعوی سونیا علیه دو کمی کال^۱ توقیف کرده است. حکم مزبور به نفع بیش از ۵۰۰ شهروند نیکاراگوئه‌ای بود که ادعا کرده بودند آفت‌کش دی‌بی‌سی‌پی، که برای استفاده در مزارع موز در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تولید شده بود، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. استفاده از این آفت‌کش، که با نام تجاری «نماگون» فروخته شده بود، در سال ۱۹۷۹، بعد از اینکه رابطه آن با نازایی کشف شد، در آمریکا ممنوع شد. شل اظهار داشت فروش آفت‌کش را در سال ۱۹۷۸ متوقف کرده است. او همچنین ادامه داد که حکم به شرکت‌های دیگری غیر از آنها نیز مربوط می‌شود و آنها تنها خواندگان دعوی مذکور نیستند؛ بنابراین توقیف مالکیت فکری تحت مالکیت آنها به منزله مصادره غیرقانونی، اقدام ناعادلانه و نابرابر و محرومیت از عدالت است. در نهایت طرفین در مورد حل اختلاف به توافق رسیدند و ایکسید رسیدگی را به درخواست متقاضیان در ۱۲ مارس ۲۰۰۷ متوقف کرد (Betram, 2018: 133-135).

1. Sonia Eduarda Franco, et al. V Dow Chemical, et al.

۲. مصادره حقوق مالکیت فکری از منظر حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری

حمایت از مصادره نه تنها به اموال ملموس یا اموال فیزیکی، بلکه به طیف گسترده‌ای از حقوق مربوط می‌شود که اهمیت اقتصادی برای سرمایه‌گذار دارد (Ibid, 79). بنابراین اموالی که ممکن است مصادره شوند، شامل حقوق معنوی و منافع نیز می‌شوند. همان‌طور که در مباحث قبلی توضیح داده شد، حقوق مالکیت فکری مصداقی از سرمایه خارجی در تعریف موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود؛ لذا حمایت از مصادره، که در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری عنوان شده است، به حقوق مالکیت فکری هم تسری می‌یابد. اما با توجه به ویژگی‌های خاص حقوق مالکیت فکری در این خصوص، اجرای این بخش از مقررات حمایتی حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری بر این حقوق مسائلی را به وجود می‌آورد که نیاز است در قسمت‌های ذیل به تفکیک توضیح داده و روشن‌گری شود. این امر مستلزم آن است که ابتدا مفهوم و شرایط مصادره در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری تبیین و سپس موارد ویژه حقوق مالکیت فکری با اتکا با این توضیحات روشن شود.

۲-۱. مفهوم مصادره در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری

مصادره اموال بیگانگان پدیده جدیدی در حقوق بین‌الملل نیست، اما واژه‌شناسی مربوط به آن همچنان یکی از فصول بحث‌انگیز باقی مانده است. واژه‌های گوناگون از سوی هر یک از نویسندگان و صاحب‌نظران حقوقی بنا به طبع یا مشرب و مکتب فکری خویش و نیز بر پایه توجیهاتی که بیان کرده‌اند، واژه‌های مختلفی را در خصوص مصادره عنوان کرده و به کار گرفته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مصادره کردن،^۱ ملی کردن،^۲ سوسیالیستی کردن،^۳ ضبط کردن^۴ و سلب مالکیت^۵ (Markus, 2019: 115).

مصادره نوعی از مداخله دولت میزبان در حقوق و اموال بیگانگان و سرمایه‌گذار خارجی است. مصادره در مفهوم سلب مالکیت آشکار اموال خصوصی توسط دولت است که معمولاً شامل انتقال حقوق مالکیت به دولت یا به یک شخص ثالث می‌شود. مصادره پدیده جدیدی در حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، سلب مالکیت خارجیانی یکی از حقوق مسلم کشورهاست. اساس حقوق سلب مالکیت به اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل مبتنی است. از جمله این اصول، اصل حق دولت‌ها در تعیین سرنوشت خود و اصل حق حاکمیت دائمی

-
1. Expropriation
 2. Nationalization
 3. Socialization
 4. Confiscation
 5. Taking

کشورها بر منابع خود است که بسیاری از حقوق دانان این اصل را از قواعد آمره حقوق بین الملل معاصر به شمار می آورند (Chowla, 2015: 215). رویه دولت ها این حق را به عنوان حقی بنیادین تلقی کرده که حتی معاهدات سرمایه گذاری نوین نیز آن را تأیید کرده و به رسمیت شناخته اند؛ البته حقوق معاهده ای نوعاً شرایط و آثار ناشی از سلب مالکیت را مدنظر قرار می دهند و متعرض خود حق سلب مالکیت نمی شوند (جوادی، ۱۳۹۸: ۲۴).

با توجه به غیرقابل تردید بودن حق کشورها به مصادره اموال، این مطلب شایان ذکر است که مصادره باید واجد شرایطی باشد تا مشروع و قانونی محسوب شود. اهمیت این شرایط به این دلیل است که آثار سلب مالکیت مشروع و غیر مشروع (قانونی و غیر قانونی) تا حدود زیادی از هم متمایز است. اصولاً در حقوق بین المللی، ملی سازی یا مصادره مشروع دارای خصوصیات است و باید مؤلفه هایی نیز داشته باشد که عبارت اند از:

۱. سلب مالکیت باید در راستای منافع و مقاصد عامه کشور میزبان انجام گیرد.
 ۲. سلب مالکیت نباید به صورت غیر عادلانه و تبعیض آمیز صورت گیرد.
 ۳. جریان سلب مالکیت باید با رعایت تشریفات قانونی باشد و از اصول مربوط به رعایت تشریفات قانونی تبعیت کند.
 ۴. اقدام به سلب مالکیت باید همراه با جبران خسارت باشد (حسیبی، ۱۳۹۸: ۱۴۸-۱۴۷).
- همان طور که گفته شد، آثار مصادره مشروع و نامشروع با هم متمایز است. این تمایز به ویژه در مسئله جبران خسارت نمود پیدا می کند و سبب این امر می شود که قواعد قابل اجرا برای جبران خسارت مصادره با توجه به ویژگی های قانونی آن متفاوت باشد. مسئله مهم این است که یک مصادره غیر قانونی به اقدامات بالاتری برای جبران خسارت نسبت به یک مصادره قانونی نیاز دارد (Bernieri, 2019: 163).

در قضیه کارخانه خورزو، که شامل مصادره غیر قانونی مالکیت صنعتی متعلق به آلمان توسط لهستان بود، دیوان دائمی بین المللی دادگستری مقرر کرده بود که غرامت باید تا آنجا که ممکن است تمام عواقب عمل نامشروع را محو کند و وضعیت را طوری اعاده کند که اگر عمل مصادره انجام نمی شد، هم وجود داشت. از سوی دیگر، در مورد مصادره قانونی امکان اعاده وضع وجود ندارد، اما دولت مصادره کننده مکلف به پرداخت نقدی جبران خسارت مربوط به ارزش اموال مصادره شده است. از این رو، اصلی که ممکن است به تعیین غرامت در مورد مصادره نامشروع مربوط باشد، برای تعیین غرامت درباره مصادره مشروع مناسب نخواهد بود (Brid & Cahoy, 2018: 78).

توضیحی که داده شد ثابت می کند مصادره نامشروع موجب غرامت کلی (کامل) و حتی شامل از دست دادن منافع قابل پیش بینی و سود می شود و اعاده وضع به حالت سابق را ملزم می کند؛ اما

مصادره مشروع یا قانونی با اجرای یک حق قانونی، فقط موجب غرامت مناسب (سریع، کافی و مؤثر) می‌شود که شامل منافع قابل پیش‌بینی نمی‌شود و اعاده وضع به‌حالت سابق را نیز مطرح نمی‌کند. در واقع می‌توان گفت در مصادره قانونی عدم‌النفع آینده از اجزای مال موردنظر خارج است؛ اما در مصادره غیرقانونی ارزش کامل مال شامل ارزش آن در زمان سلب مالکیت به اضافه عدم‌النفع از دست‌رفته در فاصله بین سلب مالکیت و صدور حکم است (Bernieri, 2019: 91). به‌طور کلی، مسلم است که جلوگیری از مصادره اموال خارجی‌ان هم به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی و هم به‌موجب حقوق معاهده قابل‌اجرا نه‌فقط شامل مصادره مستقیم، بلکه همچنین شامل مصادره غیرمستقیم هم می‌شود. این امر به‌روشنی با بیان ممنوعیت مصادره مستقیم و نیز مصادره غیرمستقیم ثابت می‌شود یا مفهوم مصادره شامل مصادره غیرمستقیم هم می‌شود.

اکثر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری مصادره‌های مستقیم و غیرمستقیم یا مصادره و اقدامات دارای تأثیر معادل را منع می‌کنند. گاهی آنها ترکیبی از هر دو ممنوعیت را استفاده می‌کنند. بخش ۱۱ موافقت‌نامه نفتا اقدامات معادل ملی‌سازی یا مصادره را ممنوع می‌کند: «هیچ‌یک از طرفین نباید سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌گذار از طرف دیگر را در قلمرویش به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مصادره یا ملی کند یا اقدامی معادل ملی‌سازی یا مصادره چنین سرمایه‌ای را انجام دهد، به‌استثنای...» (ماده ۱۱۱۰ موافقت‌نامه نفتا). ماده (۶) موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کنگدراسیون سوئیس (مصوب ۲۲ / ۱ / ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی) نیز به‌عنوان نمونه در این باره مقرر می‌دارد: «هیچ‌یک از طرفین متعاقد، چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم، اقداماتی جهت مصادره یا ملی کردن سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر یا اقدامات دیگری در جهت سلب مالکیت این قبیل سرمایه‌گذاران نسبت به سرمایه‌گذاری‌هایشان به عمل نخواهد آورد...» منشور انرژی هم مقرر می‌کند: «(۱) سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران یک طرف متعاقد در قلمرو هر طرف متعاقد دیگر نباید ملی، مصادره یا منوط به یک اقدام یا اقدامات دارای تأثیر برابر با ملی‌سازی یا مصادره شوند (از این پس به‌عنوان مصادره اشاره می‌شوند)، به‌استثنای جایی که مصادره هست...» (ماده ۱۷ معاهده منشور انرژی). مصادره مستقیم شامل مصادره اموال می‌شود؛ درحالی‌که مصادره غیرمستقیم ممکن است زمانی رخ دهد که اقداماتی غیر از یک مصادره واقعی منجر به اتلاف مؤثر مدیریت، استفاده یا کنترل یا یک افت قابل توجه ارزش اموال سرمایه‌گذار خارجی می‌شود (UNCTAD, 2007: 14).

۲-۲. شرایط مشروعیت مصادره در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری

مصادره به‌خودی‌خود در حقوق بین‌الملل غیرقانونی نیست و همیشه تردیدی وجود ندارد که یک

دولت قدرت و حق مصادره اموال اتباع خارجی را به عنوان یک اصل دارد. اما مصادره قانونی اموال متعلق به خارجی منوط به شرایط معینی است. این شرایط عموماً به عنوان منافع عمومی، عدم تبعیض، رعایت تشریفات قانونی و جبران خسارت که فوری، کافی و مؤثر است اشاره می‌شوند. معاهده منشور انرژی در خصوص اکثر معاهدات معاصر برای حمایت از سرمایه‌گذاری به‌ویژه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری است. ماده (۱) ۱۳ معاهده منشور انرژی مقرر می‌کند: «(۱) سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران یک طرف متعاقد در قلمرو هر طرف متعاقد دیگر نباید ملی، مصادره یا منوط به یک اقدام یا اقدامات دارای تأثیر برابر با ملی‌سازی یا مصادره شوند (از این پس به عنوان مصادره اشاره می‌شوند)، به استثنای جایی که مصادره هست:

الف) برای هدفی که در منفعت عمومی است.

ب) غیر تبعیض‌آمیز است.

ج) با رعایت تشریفات قانونی انجام می‌شود.

د) با پرداخت سریع، کافی و مؤثر غرامت همراه باشد. (چنین جبران‌هایی باید به میزان ارزش منصفانه بازاری سرمایه مصادره‌شده در زمان بلافاصله قبل از مصادره یا هم‌زمان با مصادره باشد که از این پس به عنوان تاریخ تقویم اشاره می‌شود).» (Scheuer, 2015: 159).

۱-۲-۲. منفعت عمومی

سلب مالکیت باید در راستای منافع و اهداف عامه انجام گیرد. با توجه به معنای موسعی که «منافع عامه» دارد، تعجب‌برانگیز نیست که این مقرر کم‌تر مورد چالش و بحث سرمایه‌گذاران خارجی قرار گرفته است؛ هر چند که در برخی پرونده‌ها مراجع بین‌المللی به اهمیت این شرط و محدوده آن توجه کرده‌اند (Gibson, 2019: 160).

۲-۲-۲. غیر تبعیض‌آمیز

به‌طور سنتی، شرط مربوط به عدم وجود تبعیض، به‌خصوص در جدا کردن بیگانگان بر مبنای منشأ ملی یا قومی ذکر شده بود؛ در جایی که یک مصادره خاص یا عمومی بر مبنای تبعیض نژادی انجام شده است، به وضوح ناقض هنجار تبعیض نژادی و از این رو غیرقانونی است. در واقع شرط عدم تبعیض این مفهوم را می‌رساند که اقداماتی می‌تواند به عنوان مصادره تفسیر شود، شامل تمام طبقات می‌شود. هر مصادره که مطابق اقدام خودسرانه و تبعیض‌آمیز است یا هرگونه اقدام که بدون توجیه قانونی انجام می‌شود، برخلاف شرط عدم تبعیض در نظر گرفته می‌شود؛ حتی اگر هیچ‌گونه جداسازی بر مبنای ملیت وجود نداشته باشد (Scheuer, 2015: 161).

۲-۲-۳. رعایت تشریفات قانونی

برخی از معاهدات به صراحت مقرر می‌دارند که جریان سلب مالکیت باید با رعایت تشریفات قانونی باشد و از اصول مربوط به رعایت تشریفات قانونی تبعیت کند. در رعایت تشریفات قانونی عبارتی است که متضمن استاندارد حداقل مندرج در حقوق بین‌الملل عرفی و الزامات ناشی از رفتار عادلانه و منصفانه است؛ اما این امر واضح نیست که آیا چنین مقرره‌ای در گستره قواعد مربوط به سلب مالکیت، عنصری مستقل برای مشروعیت سلب مالکیت محسوب می‌شود یا خیر.

۲-۲-۴. جبران

از میان شرایط لازم برای سلب مالکیت مشروع، که به آنها اشاره شد، پرداخت غرامت، چالش‌برانگیزترین موضوع بوده است. تقریباً در دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، قواعد حقوق عرفی مربوط به پرداخت غرامت توجه‌برانگیزترین مطلب در مباحث مربوط به سلب مالکیت بوده است. این قواعد در گستره وسیع مفاهیم عدم وابستگی اقتصادی، حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی و نیاز به یک نظم نوین اقتصاد بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته‌اند. امروزه این مباحث شدید و جدی، درباره تمام پرونده‌های سلب مالکیت مطروحه نزد مراجع بین‌المللی، که از استاندارد معاهده‌ای جبران خسارت طبق ارزش عادلانه بازار پیروی می‌کنند، کماکان وجود دارد. در واژه‌شناسی موجود در دهه‌های گذشته، عبارت ارزش عادلانه بازار به معنای جبران خسارت کامل یا کافی است. اما این واقعیت به این معنا نیست که تعیین میزان خسارت کار راحتی باشد. به‌خصوص در مواردی که بنگاه خارجی عملیات تجاری خود را بر مبنای توافقات قراردادی بسیار پیچیده‌ای انجام می‌دهد، وظیفه ارزیابی خسارت، مستلزم همکاری و تعامل نزدیک بین کارشناسان ارزیابی و متخصصین حقوقی است (Mercurio, 2016: 256).

ممکن است روش‌های مختلفی برای تعیین ارزش بازاری به کار گرفته شوند. درباره شرکتی که از لحاظ تجاری دایر و فعال است و هنگام مصادره سوددهی دارد، به‌جای ارزش دفتری یا ارزش جایگزین، اغلب از روش تنزیل نقدینگی به‌عنوان معیار مرتبط استفاده می‌کنند. اما درباره مصادره سرمایه‌گذاری‌ای که هنوز به مرحله سوددهی نرسیده‌است، ارزش سرمایه‌گذاری اصلی و اولیه به‌همراه اعمال تعدیلاتی متناسب با آن، روش معقول و مناسب‌تری است. کشورهای صادرکننده سرمایه معمولاً موقعیتی را می‌پذیرند که استاندارد هال^۱ (جبران سریع، مؤثر و کافی) باید برآورده شود؛ در حالی که موضع سنتی و همیشگی کشورهای در حال توسعه و سرمایه‌پذیر این بوده است که میزان غرامت باید با توجه و براساس موازین حقوق داخلی تعیین شود (UNCTAD, 2007: 15).

۳. انواع مصادره حقوق مالکیت فکری

۳-۱. مصادره مستقیم حقوق مالکیت فکری

همان‌طور که ارزش مالکیت فکری افزایش پیدا یابد، اجرای مقررات مصادره می‌تواند از این دارایی‌ها حمایت کند. در قضیه متانکس، دادگاه اشاره کرد که مفهوم مالکیت به‌عنوان چیزی مادی منسوخ شده و جای خود را به مفهومی نوین داده است که شامل کنترل مدیریتی بر اجزای یک فرایند که تولیدکننده ثروت است. از نظر دادگاه، اقلامی مثل سرقفلی و سهام بازار ممکن است عنصری ارزشمند برای شرکت باشند و همچنین ممکن است با پرداخت غرامت تحت پوشش قرار گیرند. در این قضیه، دادگاه به این نتیجه رسید که در مصادره جامع اقلامی مانند سرقفلی و سهام بازار ممکن است در ارزیابی حساب شوند. مشابه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، همچنین در سال ۱۹۲۶ در قضیه منافع آلمان در سیلیسیا علیا در لهستان، قضیه کارخانه خورزو، که توسط دولت لهستان کارخانه و ماشین‌آلات مصادره شده بود، این‌گونه نظر داد که مصادره شامل حق اختراعات و قراردادهای مدیریت شرکت هم می‌شود. همچنین در محاکم نفتا در قضیه پاپ و تالبوت علیه کانادا، ادعاهای مربوط به دسترسی به بازار و سهم بازار بحث و بررسی شدند و عنوان شد که این موارد ممکن است مصادره حقوق اموال باشد (Bernieri, 2016: 112).

علاوه بر موارد اشاره‌شده در پرونده آموکو علیه ایران، خسارت قابل پرداخت برای شرکت ملی‌شده شامل این موارد است: ارزش حقوق مادی (مانند زمین، ساختمان و دیگر اموال)، ارزش حقوق قراردادی (مانند قرارداد تحویل کالا)، ارزش حقوق معنوی (مانند شهرت تجاری). موارد ذکر شده نشان می‌دهد که مصادره سرمایه‌گذاری می‌تواند همچنین شامل حقوق مالکیت فکری مرتبطه و اموال ناملموس نیز شود و در نهایت ارزش سرمایه‌گذاری شامل ارزش حقوق مالکیت فکری و اموال ناملموس مصادره‌شده همراه با ماشین‌آلات و کارخانجات نیز می‌شود. مثال‌های ذکر شده حاکی از مصادره حقوق مالکیت فکری همراه با سایر اموال ملموس و فیزیکی است که لزوم ارزیابی حقوق مالکیت فکری را در میان سایر اموال فیزیکی و تجهیزات مطرح می‌کند. علاوه بر این، مصادره مستقیم حقوق مالکیت فکری می‌تواند مستقل از مصادره جامع سرمایه‌گذاری رخ دهد. کشورهای مختلف به‌موجب قوانین خود امکان مصادره اختراع و سایر حقوق مالکیت فکری را برای هدف عمومی در برابر پرداخت غرامت حفظ می‌کنند. همان‌گونه که آمریکا طی جنگ جهانی دوم حقوق مالکیت فکری دولت‌های دشمن و اشغال‌شده را مصادره کرد (South Center, 2016: 6-7).

۳-۲. مصادره غیر مستقیم حقوق مالکیت فکری

اگرچه اولین مصادره‌ها در تاریخ اقدامات تأثیرگذار بر مالکیت مالکان بودند، اکنون مصادره‌ها

غیرمستقیم‌اند؛ به‌صورتی که مالکیت تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد، با این حال مالک از استفاده از سرمایه‌گذاری‌اش در یک روش مفید محروم می‌شود. موضوع مصادره غیرمستقیم ممکن است مال ملموس یا فیزیکی باشد و همین‌طور ناملموس مثل موجودی، سهام، سود سهام قرضه، حقوق قراردادی و حتی حقوق مالکیت فکری (Bernieri, 2019: 17). مهم‌ترین و شاید بحث‌انگیزترین مسئله‌ای که در برخی از موارد مربوط به حقوق مالکیت فکری مطرح می‌شود، ادعای مصادره غیرمستقیم است؛ به‌طوری‌که دارندگان حق مالکیت فکری که ارزش سرمایه فکری‌شان در اثر برخی تصمیمات مقامات دولتی کاهش یافته‌است، ادعای مصادره غیرمستقیم حقوق مالکیت فکری را مطرح کرده‌اند. اگرچه این مسائل تابعه‌حال منجر به صدور حکمی راجع به آنها نشده است، بررسی این ادعاها و تبیین و توضیح آنها برای مسائلی که ممکن است در آینده به وجود آیند، مفید و حائز اهمیت است. در ادامه، مسئله لیسانس‌های اجباری، واردات موازی و ابطال / ضبط مالکیت فکری به‌دلیل تأثیری که صدور این تصمیمات در کاهش ارزش بازاری مالکیت فکری دارد و امکان طرح مصادره غیرمستقیم در آنها وجود دارد، بررسی می‌شود.

۴. لیسانس اجباری

حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یک اصل به دارندگان آثار فکری حقوق انحصاری اعطا می‌کند؛ به این صورت که دارندگان حق، قدرت قانونی برای ممانعت اشخاص ثالث از استفاده، ساخت یا تجاری‌سازی اختراع، علامت یا اثر حمایت‌شده را دارند. با این حال، چنین قدرتی مطلق نیست و حقوق انحصاری ممکن است دارای استثنائاتی باشد. در یک سوء، قوانین ملی ممکن است مواردی را تعیین کنند که اشخاص ثالث می‌توانند بدون نقض حقوق مالکیت فکری قابل اجرا از اثر فکری استفاده کنند؛ مثل استفاده از یک اختراع ثبت‌شده برای اهداف خصوصی، آموزشی و تحقیقات علمی. این نوع استثنا به‌طور خودکار عمل می‌کند و به درخواست مجوز از دادگاه یا مقام خاصی برای استفاده از موضوع حمایت‌شده نیازی نیست و هر شخص می‌تواند از این استثنا در هر زمان و بدون هرگونه پرداخت غرامت به صاحبان حق منتفع شود. حق کشورها برای ایجاد این نوع استثنائات در موافقت‌نامه تریپس به رسمیت شناخته شده است (Carlos, 2019: 24). از سوی دیگر، ممکن است حقوق مالکیت فکری مشروط به یک لیسانس اجباری شود. اصطلاح لیسانس اجباری به اوضاع و احوالی اشاره می‌کند که یک دولت برای وادار کردن مالک حق مالکیت فکری معمولاً (حق اختراع) برای اعطای مجوز استفاده از آن حق به دولت یا شخص ثالث دیگر مداخله می‌کند (Brid & Cahoy, 2018: 9). لیسانس اجباری ممکن است به محدودیت زمانی و شروط دیگر به‌خصوص پرداخت غرامت به دارنده حق منوط باشد. دولت‌ها ممکن است همچنین تصمیم

به استفاده از یک اختراع ثبت شده برای اهداف غیر تجاری بگیرند که این استفاده یا توسط خود دولت یا توسط یک پیمانکار صورت می‌گیرد.

موافقت‌نامه تریپس همچنین بیانیه‌های صادر شده به وسیله اعضای سازمان تجارت جهانی در مورد لیسانس اجباری را به عنوان قسمتی از انعطافات برای عدول از قواعد کلی حمایت از حقوق مالکیت فکری به رسمیت شناخته است. موافقت‌نامه تریپس موضوع لیسانس اجباری را در ماده (۳۱) البته نه با عنوان لیسانس اجباری پیش‌بینی کرده و علاوه بر این مفهوم لیسانس اجباری در بسیاری از کشورها تحت قوانین داخلی به رسمیت شناخته شده است. موافقت‌نامه تریپس هیچ دلیلی برای توجیه صدور لیسانس اجباری تعیین نکرده؛ به همین دلیل است که بیانیه دوحه در مورد تریپس و بهداشت عمومی تأکید کرد که کشورها برای تعیین این دلایل آزادند. با وجود این، موافقت‌نامه تریپس فهرستی مفصل از شرایطی که برای صدور لیسانس اجباری قانونی لازم است ارائه کرده است.^{۱۱} از جمله شرایط لازم آن است که تلاش‌هایی برای کسب یک لیسانس داوطلبانه از دارنده حق اختراع در شرایط تجاری معقول انجام شود و در صورتی که این تلاش‌ها ظرف مدت معقولی به ثمر نرسد، امکان صدور لیسانس اجباری وجود دارد و در صورت صدور لازم است غرامت مناسب به دارنده حق به دلیل زیان‌های وارده به او پرداخت شود (Betram, 2018: 24). اعطا و بهره‌برداری مؤثر از یک لیسانس اجباری ممکن است منافع اقتصادی‌ای را که دارنده اختراع از سرمایه‌گذاری خویش به دست می‌آورد، محدود کند و حتی ممکن است از بین ببرد. سؤال مهم در این خصوص این است که آیا اعطای یک لیسانس اجباری ممکن است تحت یک موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری به عنوان مصادره در نظر گرفته شود؟

اگر قواعد مصادره قابل اجرا باشند، در بعضی موارد احتمالی ممکن است برای مالک حق اختراع سودمندتر باشند تا نسبت به قواعد لیسانس اجباری؛ به خصوص به این دلیل که تعهد به پرداخت غرامت به عهده دولت باقی می‌ماند و از سویی موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری به طور معمول به سرمایه‌گذاران حق شکایت و تعقیب مستقیم دولت را اعطا می‌کنند. اگرچه یک لیسانس اجباری مالکیت را از دارنده حق مالکیت فکری متضرر سلب نمی‌کند، این امر برای در نظر نگرفتن لیسانس اجباری به عنوان مصادره کافی نیست؛ زیرا همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، مفهوم مصادره به‌طور کلی به صورت گسترده تفسیر می‌شود و موافقت‌نامه‌ها و معاهدات سرمایه‌گذاری نه تنها شامل مصادره مستقیم و کامل دارایی می‌شوند (که مالکیت را از مالک سلب می‌کند)، بلکه همچنین مصادره غیرمستقیم یا عملی را هم دربرمی‌گیرند که با اینکه سبب سلب مالکیت از مالک نمی‌شود، به دلیل تأثیراتی که اقدامات انجام شده در کاهش ارزش مال و سلب تدریجی مالکیت دارد، به عنوان مصادره در نظر گرفته شده‌اند (Gibson, 2019: 18-19).

۱۱. برای مطالعه این شرایط رک به: ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس.

نویسندگانی که مسئله لیسانس‌های اجباری را در خصوص مصادره در نظر گرفته‌اند، بر مصادره غیرمستقیم متمرکز شده‌اند. همان‌طور که گفته شد، یک لیسانس اجباری به انتقال مالکیت قانونی منجر نمی‌شود و مالکیت حقوق برای دارنده حق مالکیت فکری باقی می‌ماند که این امر ممکن است او را از طرح دعوی مصادره مستقیم براساس یک معاهده یا موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری محروم کند. (Ibid, 20). بنابراین، با بیان این توضیحات، مسئله اصلی به این صورت مطرح می‌شود که آیا اعطای یک لیسانس اجباری ممکن است منجر به مصادره غیرمستقیم شود؟ با توجه به مفهوم گسترده مصادره تحت موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری برخی اشکال معمولی لیسانس اجباری ممکن است به‌عنوان مصادره غیرمستقیم در نظر گرفته شوند.

تعیین اینکه یک لیسانس اجباری منجر به مصادره عملی یا غیرمستقیم شده است، باید مورد به مورد صورت گیرد. صرف این واقعیت که لیسانس اجباری ممکن است اثر نامطلوب اقتصادی بر یک سرمایه‌گذاری داشته باشد دلیل بر آن نیست که یک مصادره غیرمستقیم اتفاق افتاده است. برای مثال، در این خصوص یک شرکت متضرر، که تولیدکننده داروی مهم برای بیماری اچ‌آی‌وی است (شرکت داروسازی مرک^۱) در واکنش به صدور لیسانس اجباری عنوان کرده است: «مصادره مالکیت فکری یک علامت نامیدکننده برای شرکت‌های تحقیق محور در مورد انگیزه انجام تحقیقات مخاطره‌آمیز در بیماری‌ها می‌فرستد که بر جهان در حال توسعه تأثیر می‌گذارد و به‌طور بالقوه در حال صدمه زدن به بیمارانی است که ممکن است به درمان‌های جدید و نوآورانه برای ادامه زندگی نیاز داشته باشند.» (در واقع این قضیه از این قرار بود که در پی شیوع بیماری ایدز، برزیل اقدامات مختلفی انجام داد. از جمله این اقدامات، که به این بحث مربوط می‌شود، ارائه داروهای ضد ویروس کم‌هزینه و رایگان برای جمعیت آسیب‌پذیر بود. عنصر اصلی این اقدام مذاکرات شدید درباره قیمت داروی مورد استفاده برای درمان بیماران مبتلا به اچ‌آی‌وی و ایلدز بود. وقتی دولت برزیل درباره قیمت داروی مورد نظر ثبت شده با شرکت مرک به توافق نرسید، اقدام به صدور لیسانس اجباری کرد. لیسانس اجباری برزیل را به تولید یا وارد کردن نسخه‌ای عمومی از دارو مجاز می‌کرد. این اقدام برزیل، میانه او را با شرکت مرک و شرکت‌های دیگری که محصولاتشان برای درمان مردم برزیل ضروری بود به هم زد و همچنین موجب اختلافاتی در روابط دیپلماتیک با آمریکا شد. شرکت مرک نیز با متهم کردن برزیل به مصادره اموال فکری واکنش نشان داد) (Peter, 2012: 159-160).

اگرچه موافقت‌نامه تریپس در ماده (۳۱) حاوی مقررات مفصلی در شرایط و مراحل صدور لیسانس‌های اجباری است، شرکت مرک مطابقت این اقدامات را با شرایط مذکور در موافقت‌نامه تریپس به چالش نکشید؛ در عوض، موضوع را به‌عنوان یک مورد مصادره مالکیت فکری بیان کرد.

از این رو ابتدا بر استانداردهای سرمایه‌گذاری در طرح قضیه تکیه کرد. اگر چه مرک ظاهراً نتوانست این موضوع را ثابت کند، چون برزیل یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری امضا شده با آمریکا نداشت. بیانیه مرک نشان‌دهنده و شاخصی برای ارتقای ارزش استانداردهای سرمایه‌گذاری است که می‌تواند برای دارندگان مالکیت فکری هم به کار رود. به‌خصوص مفهوم گسترده و مبتنی بر آثار مصادره غیرمستقیم، که بر محروم کردن به‌طور کامل یا جزئی مالک از استفاده یا از منافع اقتصادی معقول مورد انتظار از اموال تمرکز می‌کند و به دارندگان حقوق مالکیت فکری اجازه اعتراض به اقدامات مختلف کشور میزبان، محدود به بهره‌برداری تجاری از کالاها و خدمات حمایت‌شده مالکیت فکری را می‌دهد (Henning Grosse Ruse, 2021: 17).

انصافاً تردیدی وجود ندارد که یک لیسانس اجباری صادر شده به دلیل منفعت عمومی بدون هدف تبعیض‌آمیز و مطابق با قوانین و مقررات کشور و اجرا در روشی مطابق با ماده (۳۱) موافقت‌نامه تریپس (از جمله مطابقت با بند (h) ماده (۳۱) شرط «غرامت مناسب و کافی» که باید به دارنده حق پرداخت شود) یک مصادره عملی یا غیرمستقیم نخواهد بود (Mercurio, 2016: 14). از این رو اعطای قانونی لیسانس اجباری نمی‌تواند به‌درستی به‌عنوان اقدام به مصادره توصیف شود. اما تعریف گسترده سرمایه‌گذاری و پوشش مصادره غیرمستقیم ممکن است موجب افزایش شکایت‌های مصادره در مورد یک لیسانس اجباری شود. این احتمال توسط برخی موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده است. برخی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری مقررات خاصی در استثنای لیسانس اجباری از دعاوی تحت مقررات مصادره دارند. در این زمینه ماده (۶،۵) الگوی معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا این‌گونه بیان می‌کند: «مقررات مصادره برای صدور لیسانس اجباری اعطا شده در رابطه با حقوق مالکیت فکری مطابق با موافقت‌نامه تریپس اجرا نمی‌شود، به اندازه‌ای که چنین صدور مطابق با موافقت‌نامه تریپس است.» برخی موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد نیز عبارات مشابهی در بخش‌های سرمایه‌گذاری‌شان دارند (Tsai-lu yin, 2019: 159).

برای مثال، مقررات موافقت‌نامه نفتا در مصادره و جبران خسارت (ماده ۷.۱۱۱۰) شامل یک استثنا در خصوص لیسانس اجباری است. به‌طور مشابه موافقت‌نامه تجارت آزاد شیلی - آمریکا مقرر می‌کند که مقررات مصادره و جبران خسارت نمی‌تواند برای صدور مجوز اجباری اعطا شده درباره حقوق مالکیت فکری مطابق با موافقت‌نامه تریپس اجرا شود (ماده ۵.۹.۱۰).

الف) جبران خسارت برای لیسانس‌های اجباری در موافقت‌نامه تریپس و موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری

در مورد مسئله جبران خسارت ممکن است مسائل فنی متعددی درباره زمان و مقدار جبران خسارت

به وجود آید و منجر به اختلاف شود. بر اساس قواعد لیسانس اجباری موافقت‌نامه تریپس، مقدار پرداخت‌شده به دارنده حق متضرر به‌طور کلی مبتنی بر نرخ حق الامتیاز اجرا شده در ارزش خالص فروش محصولات تحت پوشش به‌وسیله لیسانس است. میزان غرامت بستگی به استفاده مداوم از لیسانس به‌وسیله دولت یا شخص ثالث مجاز از سوی دولت دارد. بیشتر لیسانس‌ها به مقدار بالاتری از جبران متکی‌اند. با وجود این، بر اساس قواعد مصادره، مقدار جبران خسارت برآورد شده و معمولاً ارزش منصفانه بازار را در لحظه‌ای که مصادره صورت گرفته یا به‌صورت عمومی شناخته شده است نشان می‌دهد. درحالی‌که در اختلافات سرمایه‌گذاری محاسبه میزان جبران خسارت مناسب معمولاً مسئله‌ای پیچیده است، ایده اصلی آن است که جبران باید وضعیت اقتصادی فرد را به حالتی برگرداند که اگر مصادره انجام نشده بود وجود داشت (Betram, 2020: 26).

این رویکردهای مختلف برای محاسبه جبران خسارت در موارد معین احتمالاً به اختلاف منجر می‌شود. به نظر می‌رسد که درباره مجوز اجباری گسترده محاسبه تحت رژیم‌های مالکیت فکری ممکن است منجر به جبران‌های کمتری نسبت به ادعاهای مصادره شود؛ زیرا جبران لیسانس اجباری فقط به معنای یک نرخ حق الامتیاز است؛ درحالی‌که در وضعیت مصادره، سرمایه‌گذار زیان دیده ممکن است هر زبانی را که شامل مصادره می‌شود ادعا کند. به‌طور کلی باید عنوان کرد که استاندارد ارزیابی و پرداخت مقدار غرامت بین موافقت‌نامه تریپس و موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری متفاوت است. موافقت‌نامه تریپس تنها پرداخت غرامت کافی^۱ با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی مجوز برای لیسانس اجباری را لازم می‌داند. مقام اعطاکننده لیسانس اجباری پرداخت حق الامتیاز متناسب با ارزش اقتصادی مورد انتظار، که اجرای لیسانس اجباری خاص به‌همراه دارد، و هدف از صدور لیسانس را تعیین می‌کند (برای مثال توانایی تهیه داروی ضروری). از آنجایی که هدف جبران رویه ضد رقابتی است، وسایل ترجیحی پرداخت برای تعیین میزان حق الامتیاز قابل پرداخت توسط گیرنده لیسانس لازم خواهد بود. علاوه بر این، اعتراض علیه تصمیم مقام صالح درباره غرامت تنها به قضاوت داخلی مطابق با بند (j) ماده (۳۱) موافقت‌نامه تریپس محدود می‌شود. در مقابل، موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری جبران خسارت^۲ را مقرر می‌کنند؛ هر چند عبارات به‌کاررفته از معاهده‌ای به معاهده‌ای دیگر برای ارزیابی ارزش منصفانه بازار دارایی سرمایه‌گذاری مصادره‌شده متفاوت است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در لیسانس اجباری ارزش اقتصادی مجوز در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که در مصادره ارزش منصفانه بازاری خوددارایی محاسبه می‌شود و چنین مقداری باید فوراً پرداخت شود؛ در مقابل حق الامتیاز به اقساط و در طول زمان باید پرداخت شود (South Center, 2016:4).

ب) نحوه محاسبه غرامت

مقررات جبرانی که در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری تعیین شده است، به‌طور معمول در ارتباط با استانداردهای فوری و کافی و مؤثر است. برای ارزیابی میزان جبران مورد نیاز، موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری اغلب به ارزش بازاری منصفانه یا ارزش خالص یا واقعی دارایی سرمایه‌گذاری مصادره‌شده اشاره می‌کنند یا عبارت ساده جبران منصفانه یا عادلانه را بیان می‌کنند. تعیین ارزش بازاری در درجه نخست یک اجرای اقتصادی است که ممکن است شامل ارزیابی ارزش مربوط‌شده به بازگشت تجاری اموال ملموس، حق کسب و پیشه و سایر اموال ناملموس و عوامل سودآوری شود (Tsai-lu yin, 2019: 163). درحالی‌که میزان خسارت ناشی از یک عمل متخلفانه اصولاً با دقت بر وضعیت شخصی قربانی تعیین می‌شود، اما در تعیین غرامت ناشی از مصادره، که معیاری عینی است، بر این امر دقت و تأکید می‌شود مبلغی که خریدار راغب در معامله‌ای آزادانه به فروشنده مشتاق می‌پردازد، به چه میزان است. از سوی دیگر، ارزش بازار غالباً موضوعی ذهنی و فرضی است؛ به‌خصوص هنگامی که بازاری برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و پیچیده وجود نداشته باشد. لذا ارزش بازاری اغلب بر مبنای چشم‌اندازهای آتی یا ظرفیت بالقوه سودآوری سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود (حسیبی، ۱۳۹۸: ۴۲۷-۴۲۶).

متداول‌ترین روش مورد استفاده برای تعیین ارزش بازاری، روش تنزیل نقدینگی است. در این روش، درآمد احتمالی آتی سرمایه‌گذاری محاسبه می‌شود. اینجا فرض اساسی آن است که این معیار برای قیمتی است که خریدار فرضی تمایل به پرداخت آن دارد. طبق این روش، وضعیت مالی و اقتصادی، که در آینده برای سرمایه‌گذاری پیش‌بینی می‌شود، تخمین زده می‌شود. به‌منظور محاسبه ارزش فعلی وضعیت مالی آتی سرمایه‌گذاری، باید عامل بازده پیش‌بینی شده برای سرمایه‌گذاری را به‌منظور احتساب ارزش پول در زمان و در نظر گرفتن ریسک اعمال کرد. در این راستا اطلاعات مربوط به گذشته حائز اهمیت است، اما لزوماً عاملی تعیین‌کننده در تعیین دورنمای آتی نیست. همچنین مؤلفه‌های دیگری که منجر به افزایش ارزش سرمایه‌گذاری می‌شوند نیز در محاسبه وضعیت آتی سرمایه‌گذاری نقش مهمی دارند. ریسک موجود برای سرمایه‌گذاری نیز تحت تأثیر عواملی چون مسائل اقتصاد کلان یا بحران‌های اقتصادی و همچنین ریسک‌های خاصی که برای سرمایه‌گذاری‌ها به وجود می‌آید قرار دارد (همان).

اما اگر سرمایه‌گذاری مورد نظر هنوز به سودآوری نرسیده باشد و احتمال سودآوری آن در آینده نیز کم‌رنگ باشد، روش مناسب برای ارزش‌گذاری، شیوه ارزش تصفیه سرمایه‌گذاری است. طبق این فرمول، میزان غرامت با توجه به مبلغ اموال موجود سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود که تحت شرایط تصفیه امکان فروش آن وجود دارد. در مقایسه با ارزش‌گذاری که بر مبنای یک کسب‌وکار

دایر و فعال انجام می‌شود، ارزش‌گذاری به شیوه تصفیه سرمایه‌گذاری، منجر به ارزش‌گذاری بسیار کمتر و پایین‌تری خواهد شد (همان، ۴۳۰).

در مقابل، استاندارد پرداخت و ارزیابی مقدار غرامت براساس موافقت‌نامه تریپس متفاوت است. مطابق بند (h) ماده (۳۱) موافقت‌نامه تریپس به دارنده حق باید تنها حق الامتیاز کافی با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی مجوز برای یک لیسانس اجباری پرداخت شود. ارزش اقتصادی صرفاً به مجوز و نه به حق اختراع مربوط است. عملاً تعیین پرداخت حق الامتیاز کافی برای دارنده حق اختراع تا میزان مجوزهای ملی است. رویه قبلی در کانادا برای لزوم نرخ‌های حق الامتیاز چهار درصد قیمت فروش داروهای تحت لیسانس بود. در هند راهبرد سیاسی قابل اجرا به طور معمولی به پرداخت‌های حق الامتیاز به حداکثر چهار درصد فروش‌های خالص محدود می‌شد. در هر صورت، ارزش بازاری حق اختراع به‌عنوان استاندارد برای پرداخت غرامت استفاده نخواهد شد. میزان غرامت برای جبران خسارت دارنده حق اختراع برای ارزش اقتصادی لیسانس با ارزش بازاری برابر نخواهد بود. به‌علاوه مهم است اشاره شود که هدف عمومی تعقیب‌شده توسط دولت ممکن است تأثیری در موضوع جبران در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری نداشته باشد. با وجود این، در موارد ضرورت ملی یا بحران بهداشتی به‌طور کلی پذیرفته شده است که دادگاه تصمیم به پایین آوردن یک نرخ حق الامتیاز معقول در صورت لزوم برای تسهیل انتشار به‌موقع محصول ثبت شده می‌گیرد (Tsai-lu yin, 2019: 163).

در موارد نسبتاً جزئی و دقیق یک لیسانس اجباری، ضررهای ی که یک سرمایه‌گذار به‌طور واقعی متحمل شده، ممکن است کم باشد. برای مثال، در موردی که یک دولت تصمیم گرفته است داروی معینی را به بیمارستان توزیع کند، برای درمان فقیری که در موقعیتی نیست که داروها را با توجه به محدودیت بودجه‌اش خریداری کند، دارنده حق هیچ‌گونه رکود اقتصادی در بازار ندارد یا هیچ ضرر را متحمل نمی‌شود (Betram, 2020: 26). با توجه به هم‌پوشانی حمایت‌های سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت فکری، حقوق سرمایه‌گذاری ممکن است برای منصرف کردن دولت از استفاده از لیسانس اجباری یا برای اعتراض به این تصمیم استفاده شود؛ در این صورت استثنا به ماده مصادره در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری ممکن است دولت را در برابر احتمال این ادعا مصون نگاه دارد؛ مشروط به اینکه این استثنا توسط شرط ملت کامل‌الوداد گنجانده شود و در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری قابل اجرا برای طرفین خنثی نشود.

۱-۴. ابطال یا ضبط مالکیت فکری

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، لیسانس اجباری مجوزی است که در موارد ویژه و با رعایت

شرایط خاص از سوی دولت صادر می‌شود و شخص ثالث یا دولت را مجاز به استفاده از موضوع حمایت‌شده در برابر پرداخت غرامت به مالک می‌کند؛ بدون آنکه به اعتبار اصل حق اختراع لطمه‌ای وارد کند. در واقع می‌توان گفت در موارد صدور مجوز اجباری اعتبار حق اختراع به قوت خود باقی است. اما مواردی وجود دارد که ممکن است حق اختراعی باطل شود یا حقوق مربوط به آن قبل از انقضای مدت معمولی اعتبار حق اختراع ضبط شود. در چنین مواردی به‌طور کلی اعتبار حق اختراع از بین می‌رود و دیگر به‌عنوان یک حق وجود قانونی ندارد. به‌طور کلی، حق اختراع زمانی ممکن است باطل شود که توسط دولت یا دادگاه کشف شود که قوانین حق اختراع یا سایر قوانین مربوطه را، که بر مبنای آنها حق اختراع اعطا شده است، نقض می‌کند؛ برای مثال مشخص شود که اختراع فاقد کاربرد صنعتی است یا جدید نیست. علاوه بر این، در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا حق اختراع ممکن است در صورت عدم صداقت در ارائه اطلاعات به اداره ثبت اختراع غیرمعتبر اعلام شود.

امروزه اعطای حق اختراع توسط شرکت‌ها، به‌خصوص شرکت‌های فعال در بخش‌های دارویی و بیوتکنولوژی به‌جای اداره ثبت اختراع، با فقدان کارکنان شایسته و استانداردهای پایین برای ارزیابی ثبت اختراع همگی منجر به اعطای تعداد زیادی از حق اختراعات با کیفیت پایین یا اختراعاتی می‌شود که اگر به‌درستی بررسی صورت می‌گرفت، اعطا نمی‌شدند (Carlos, 2019: 16). برخلاف لیسانس‌های اجباری، دلایل ابطال یا ضبط یک اختراع در موافقت‌نامه تریپس بیان نشده است. بنابراین ممکن است اختراعی به‌دلیل عدم پرداخت حق‌الامتياز سالیانه یا به‌دلایل دیگر، مثل سوءاستفاده از یک موقعیت مسلط، باطل شود. تنها مقرر در خصوص این موضوع در موافقت‌نامه تریپس، تضمین دسترسی به یک بررسی قضایی درباره هرگونه تصمیم ابطال یا ضبط یک اختراع است (ماده ۳۲ موافقت‌نامه تریپس). اثر ابطال یا ضبط هر حق مالکیت فکری مثل یک حق اختراع این است که موضوع حمایت‌شده را در قلمرو عمومی قرار می‌دهد. قطعاً ارزش حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری دگرگون شده است و در زمینه ابطال و ضبط مالکیت فکری نیز ممکن است ادعای مصادره غیرمستقیم صورت گیرد (Lahara, 2010: 11).

در خصوص ابطال ماده (۵ و ۶) از الگوی معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا (۲۰۰۴)، که به موضوعات مصادره مربوط می‌شود، این‌گونه بیان می‌کند: (علاوه بر لیسانس‌های اجباری) این ماده برای ابطال، محدودیت یا آفرینش حقوق مالکیت فکری به اندازه‌ای که چنین ابطال، محدودیت یا آفرینشی مطابق با موافقت‌نامه تریپس است، اعمال نمی‌شود.

شرایط دقیق‌تر برای ابطال به‌تازگی در موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد یافت می‌شود. موافقت‌نامه تجارت آزاد نفتا و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد دیگر یک استثنا برای شرط مصادره ارائه می‌کنند:

در صورتی که ابطال یا ضبط مطابق با قوانین حقوق مالکیت فکری مندرج در معاهده ایجاد شود. موافقت‌نامه تجارت آزاد بین شیلی و ایالات متحده آمریکا تصریح می‌کند که مقررات صادره و جبران خسارت: برای ابطال، محدودیت یا آفرینش حقوق مالکیت فکری تا اندازه‌ای که چنین ابطال، محدودیت یا ایجاد مطابق با بخش ۱۷ (حقوق مالکیت فکری ماده ۵، ۹، ۱۰) باشند، اجرا نمی‌شود (Lahara, 2010: 11). از سیاق این استثنائات مذکور در موافقت‌نامه‌ها پیداست که قواعد صادره به‌طور بالقوه قابل اجرا برای ابطال و ضبط حقوق مالکیت فکری اند و بنابراین تردیدی وجود ندارد که یک ابطال و ضبط مالکیت فکری هم در صورت وجود شرایط لازم، قابلیت طرح به‌عنوان یک مصادره را دارد. یک مورد بحث‌انگیز ممکن است درباره شرط اطلاع کشور منشأ یا منبع ماده بیوتکنولوژی و دانش سنتی مربوط به آن به وجود آید؛ بدین صورت که عدم رعایت این شرط به ابطال حق اختراع منجر می‌شود. تعهد افشای منشأ ممکن است به رفع نگرانی عمده کشورهای در حال توسعه، که سرقت منابع بیولوژیکی و دانش سنتی^۱ است، کمک کند. با وجود شکایات و درخواست‌های کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر سرقت این منابع، هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای توسط کشورهای که بیشترین بهره را از آنها می‌برند انجام نشده است؛ درحالی‌که موافقت‌نامه تریپس نیز مقرراتی برای پیشگیری از چنین اتفاقاتی ندارد (Carlos, 2019: 17).

برخی از کشورها (به‌عنوان مثال برزیل، کاستاریکا، هند و ...) از قبل یک تعهد افشا را اجرا می‌کنند که در نهایت منجر به ابطال یا ضبط حقوق مالکیت فکری یا ابطال حقوق کسب‌شده به‌دلیل نقض مقررات می‌شود. علاوه‌براین، برخی از کشورهای در حال توسعه برای ذکر رسمی چنین تعهدی اصلاح موافقت‌نامه تریپس را پیشنهاد کرده‌اند. اگرچه کشور سوئیس پیشنهاد ایجاد یک تعهد منشأ از این نوع را در چهارچوب معاهده همکاری ثبت اختراع کرده و اتحادیه اروپا نیز امکان در نظر گرفتن این موضوع را در چهارچوب موافقت‌نامه تریپس پذیرفته است، این کشورها نیز همراه با سایر کشورهای توسعه‌یافته، با معرفی و ارائه یک تعهد عدم رعایت منشأ، که منجر به ابطال یا ضبط حقوق اعطاشده خواهد شد، مخالفت کرده‌اند. تا اندازه‌ای که یک کشور معین قانون داخلی‌اش را هم به‌صورت ماهوی و هم به‌صورت شکلی، مطابق با استانداردهای تریپس اجرا می‌کند، ظرفیت آن برای اجرای یک تعهد افشا از نوع بحث‌شده بالا محدود می‌شود و در این صورت شکایت مصادره نیز به نظر بی‌اساس خواهد رسید. با این حال، بیان شده است که مشروط شدن به ابطال یا ضبط در مورد اشتباه یا عدم افشای منشأ مواد بیولوژیکی و دانش مربوطه به مثابه گنجاندن شرط جدیدی برای ثبت اختراع خواهد بود که در تریپس در نظر گرفته نشده است و از این رو با ماده (۱/ ۲۷) موافقت‌نامه تریپس ناسازگار است. اگر این نظریه پذیرفته شود، احتمال

1. TK (Traditional knowledge)

موفقیت شکایت به عنوان مصادره سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت. بنابراین تا زمانی که این موضوع روشن نشده و موافقت‌نامه تریپس اصلاح نشده است، اقامه دعوی سرمایه‌گذار علیه دولت، تهدید واقعی برای کشور مایل به پذیرش و اجرای تعهد افشا منشأ خواهد بود (Carlos, ۲۰۱۹: ۱۸). علاوه بر این باید خاطر نشان کرد که گاهی همراه با اقدامات و مقررات اتخاذ شده برای ترویج یا حمایت از سیاست عمومی، اقداماتی برای محدود یا باطل کردن حقوق مالکیت فکری انجام می‌شود که می‌تواند تأثیری مهم بر سرمایه‌گذاری و بازگشت بالقوه آن داشته باشد و منجر به مصادره شود. در این زمینه شایسته است برای روشن شدن موضوع اشاره کوتاهی به دعوی فیلیپ موریس^۱ علیه استرالیا شود.

فیلیپ موریس (شرکت آمریکایی که در پی اجرای قانون بسته‌بندی بدون علامت محصولات سیگار در اروگوئه و استرالیا ادعاهایی را علیه این کشورها مطرح کرد) در دعوا علیه استرالیا استدلال کرد که قانون بسته‌بندی ساده و اقدامات مربوط به آن منجر به محو مؤثر حقوق مالکیت فکری و از بین رفتن توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاری او و تخریب اساسی ارزش فیلیپ موریس در استرالیا شده است. فیلیپ موریس استدلال کرد که در نتیجه این اقدامات انجام شده، مصرف‌کنندگان قادر به تشخیص در میان محصولات رقبای نخواهند بود و رقابت ابتدا مبتنی بر قیمت می‌شود و محصولات تنباکو به طور مؤثر به کالایی نامتمایز تبدیل می‌شوند. ظاهراً استدلال فیلیپ موریس به این شرح است که محور مؤثر و از دست دادن ارزش، معادل محرومیت دائمی و قابل توجهی از حقوق مالکیت فکری و سرقفلی است و در نتیجه یک مصادره به موجب ماده (۶) معاهده هنگ‌کنگ و استرالیا خواهد بود. علاوه بر این فیلیپ موریس همچنین تأکید کرد که هیچ مدرک معتبری مبنی بر اینکه قانون بسته‌بندی ساده تأثیر ادعا شده ارتقای بهداشت و سلامت عمومی را خواهد داشت، وجود ندارد و در واقع شواهد نشان می‌دهند که این قانون ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد. در مقابل، استرالیا با این استدلال از اقدامات خود دفاع می‌کند که فیلیپ موریس از به دست آوردن و حفظ علامت تجاری اش محروم نمی‌شود و تأکید می‌کند که استفاده از آنها فقط در برخی شرایط ممنوع می‌شود. در واقع این اقدام صرفاً استفاده از علامت‌های تجاری را در محصولات توتون و تنباکو تنظیم می‌کند. همچنین استرالیا استدلال می‌کند که قصد او از این اقدامات مصادره نیست، بلکه این اقدامات فقط برای ارتقای بهداشت و حمایت بهداشتی از شهروندانش انجام می‌شود. با وجود این، باید خاطر نشان کرد برای طرح موضوعی به عنوان مصادره نیازی به وجود چنین قصدی نیست. علاوه بر این موارد، استرالیا استدلال کرد که واکنش او متناسب با خطرهای بهداشتی همراه با مصرف سیگار و در خصوص کنوانسیون سازمان بهداشت جهانی درباره کنترل تنباکو است.

به‌عنوان نکته آخر باید به‌خاطر داشت که سرمایه‌گذاران مدعی مصادره غیرمستقیم به‌ندرت موفق‌اند؛ درحالی‌که در عدم موفقیت از دست دادن جزئی ارزش اقتصادی تردیدی وجود ندارد؛ زیرا برای موفقیت در ادعای مصادره غیرمستقیم، سطح بالایی از محرومیت اقتصادی مورد نیاز است؛ یعنی محرومیت کامل یا اساسی از منافع اقتصادی. همچنین آگاهی روبه‌رشد دادگاه‌ها درباره اقدامات نظارتی در منفعت عمومی نقش مهمی در این زمینه بازی می‌کند. معاهده سرمایه‌گذاری هنگ‌کنگ و استرالیا حاوی یک‌بند استثنا همانند موافقت‌نامه‌هایی که قبلاً ذکر شد نیست؛ به همین دلیل اثبات مصادره غیرمستقیم هنوز هم کاملاً دشوار و بعید به نظر می‌رسد (Mercurio, 2016: 909-910).

۲-۴. واردات موازی

مسئله خاتمه حقوق^۱ یا واردات موازی^۲، که در ماده (۶) موافقت‌نامه تریپس به آن اشاره شده است، نقش بسیار مهمی در تأثیرگذاری حقوق مالکیت فکری بر تجارت بین‌المللی کالا و خدمات دارد. همان‌طور که مشخص است، حقوق مالکیت فکری به صاحبان این حقوق، حقوق انحصاری اعطا می‌کند که می‌توانند بر آثار و کالاهای خود و مبادله آنها کنترل داشته باشند. اصل یا دکترین خاتمه نشان می‌دهد که این کنترل و حقوق انحصاری در کجا پایان می‌یابد. از این لحاظ، اصل خاتمه حقوق برای نقل و انتقال آزاد کالا و خدمات اهمیت زیادی دارد و بدون آن، صاحبان حقوق مالکیت فکری برای مدت طولانی سلطه و کنترل زیادی بر کالاها و خدمات مشمول این حقوق و در نتیجه زندگی اقتصادی خواهند داشت.

حقوق اعطاشده به دارنده مالکیت فکری معمولاً با اولین فروش یا عرضه به بازار در آن نسخه اثر خاتمه می‌یابد. این بدان معناست که هرگاه صاحب حق با فروش یا عرضه کالا یا خدمات خود توانست به منافع اقتصادی خود دست یابد، خریدار یا دریافت‌کننده این کالا یا خدمات می‌تواند آن را بدون هرگونه محدودیتی بفروشد یا از آن استفاده کند. برای مثال، اگر یک بطری نوشابه را از شرکت تولیدکننده آن بخریم، شرکت مذکور نمی‌تواند ما را از مصرف آن نوشابه یا فروش آن به فردی دیگر باز دارد. از نظر بین‌المللی، خاتمه حقوق می‌تواند به سه شکل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شود. از آنجا که حقوق مالکیت فکری معمولاً به‌طور مستقل از طرف هر کشوری اعطا می‌شود، صاحب یک حق مالکیت فکری ممکن است در کشورهای متعددی این حق را به ثبت برساند (حقوق موازی)؛ بنابراین ممکن است یک کالا در یک کشور فروخته و مشمول خاتمه حقوق شود، ولی در کشور دیگری کماکان حقوق مربوطه به آن محفوظ بماند. حال اگر کشوری

1. Exhaustion

2. Parallel Importation

مقرر دارد که کالا یا خدمات در صورت فروش یا عرضه در خارج از این کشور مشمول خاتمه حقوق می‌شود، به محض فروش یا عرضه این کالا یا خدمات در خارج از کشور هر فردی می‌تواند آن کالا یا خدمات را وارد کند و صاحبان حقوق مالکیت فکری مربوط به آن کالا یا خدمات نمی‌توانند جلوی این واردات را بگیرند. این‌گونه واردات را واردات موازی می‌گویند (باقری، ۱۳۹۹: ۱۵۶-۱۵۷).

موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکا با استرالیا، مراکش و سنگاپور ممنوعیت واردات موازی را از طریق قراردادی یا سایر وسایل اجازه می‌دهد. بند «۲» ماده (۱۶،۷) موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکا و سنگاپور طرفین را به ارائه دلیلی برای ممانعت واردات موازی یا به جبران واردات موازی داروهای ثبت‌شده ملزم می‌کند (Lahara, 2010: 12). پذیرش واردات موازی ممکن است ارزش حقوق مالکیت فکری را کاهش دهد و لذا امکان دارد ادعاهای احتمالی توسط مالک حق اختراع برای دست دادن ارزش حقوق مالکیت فکری یا سهم بازار به وجود آید. در چنین صورتی آیا می‌توان گفت با توجه به کاهش ارزش حق مالکیت فکری یک مصادره مالکیت فکری اتفاق افتاده است؟

تا اندازه‌ای که واردات موازی مشروع‌اند، یعنی به صورت قانونی انجام می‌شوند، هیچ‌گونه یا حتی کوچک‌ترین استدلالی درباره آنکه واردات موازی رخ داده است، وجود ندارد. اما واردات موازی باعث کاهش سهم بازار و همچنین ارزش حقوق مالکیت فکری می‌شود و همان‌طور که در مباحث قبلی نیز ذکر شد، تصمیماتی که در چارچوب بخش ۱۱ نفتا اتخاذ شده بودند، سهم بازار را نیز به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری ذکر کرده‌اند؛ با پذیرش این موضوع امکان ادعاهای مصادره درباره واردات موازی به وجود می‌آید که سهم بازار مالک حق مالکیت فکری را کاهش می‌دهند. بنابراین، در مواردی که واردات موازی به صورت غیرقانونی و با نقض مقررات مربوط به آن انجام می‌شود، احتمال طرح ادعای مصادره غیرمستقیم به دلیل تأثیری که این تصمیم در کاهش ارزش اقتصادی مالکیت فکری و سهم بازار می‌گذارد، وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تأثیر شروط مندرج در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری بر حقوق مالکیت فکری بررسی شد. قبلاً بیان شد که معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری حاوی استانداردهای حمایتی‌اند. این استانداردها شامل رفتار ملی، ملت کامل‌الوداد و رفتار منصفانه و عادلانه می‌شوند. سرمایه خارجی محسوب شدن مالکیت فکری مستلزم آن است که از حمایت‌های ارائه‌شده در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری بهره‌مند شود. استانداردهای حمایتی ارائه‌شده در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری نسبت به استانداردهای ارائه‌شده در اسناد مالکیت فکری در جایگاه بالاتری قرار دارند. شرط

رفتار ملی مندرج در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری بدون استثنائات و محدودیت‌های مندرج در موافقت‌نامه ترپیس است و اعمال حمایت از حقوق مالکیت فکری را افزایش می‌دهد. شرط رفتار کامل‌الوداد نیز اعمال حمایت از مالکیت فکری را نسبت به موافقت‌نامه ترپیس گسترش می‌دهد و استثنائات پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه ترپیس را شامل نمی‌شود. علاوه بر این، با توجه به نقشی که این شرط در گسترش و انتشار مقررات از یک معاهده به معاهده دیگر دارد، باید در تدوین این شرط دقت کافی نیز به عمل آید. رفتار منصفانه و عادلانه استاندارد حمایتی است که در موافقت‌نامه ترپیس و موافقت‌نامه‌های مالکیت فکری ذکر نشده است؛ درحالی‌که در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری برای جلوگیری از رفتار تبعیض‌آمیز علیه سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری‌های آنها از جمله مالکیت فکری اعمال می‌شود.

در ادامه مباحث شرط انتقال فناوری و شرط داوری مندرج در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری بررسی شد. در ذیل مبحث شرط انتقال تکنولوژی، شرط انتقال تکنولوژی ضمن قراردادهای لیسانس بررسی شد و تأثیر شروط مندرج در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری بر آن تجزیه و تحلیل شد. در بررسی شرط داوری نیز این نتیجه کسب شد که معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری رویه حل اختلاف سرمایه‌گذار دولت را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند که برخلاف رویه موجود در موافقت‌نامه ترپیس، که فقط دولت‌ها حق توسل به آن را دارند، برای سرمایه‌گذاران مفیدتر است؛ زیرا بیشتر اختلافات مالکیت فکری در میان سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خصوصی و دولت قابل طرح است و در این رویه سرمایه‌گذاران نیز حق توسل به مکانیزم حل اختلاف را می‌یابند.

پژوهش‌های آتی

موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری باید به‌طور واضح تصریح کنند که حمایت و اجرای مالکیت فکری نباید از آنچه در موافقت‌نامه ترپیس و سایر موافقت‌نامه‌های چندجانبه مقرر شده تجاوز کند؛ مگر جایی که شواهد روشنی وجود دارد که منافع اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی این قواعد جدید بیش از هزینه‌های تحمیلی آن خواهد بود.

استثنا کردن اداره، اکتساب، حفظ و نگهداری، اجرا و حمایت حقوق مالکیت فکری از مقررات حل و فصل اختلاف موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری.

منابع

۱. باقری، سکینه و باقری، رحمان. (۱۳۹۹). نقش حقوق مالکیت فکری در حمایت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی. کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، روده‌ن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۲. حسینی، به‌آذین. (۱۳۹۸). دولت و سرمایه‌گذار خارجی: استناداردهای بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳. جوادی، سعیده. (۱۳۹۸). مالکیت فکری در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، حقوق مالکیت فکری.
۴. عامری، فیصل. (۱۳۹۵). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نقش آن در انتقال تکنولوژی به کشورهای رشد یابنده. مجله پژوهش حقوق و سیاست.
۵. نایب زاده، شهناز. (۱۳۹۶). حقوق مالکیت معنوی و انتقال فناوری. مجله تدبیر، ۱۸.
۶. میرحسینی، سید حسن. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی. تهران: نشر میزان.
7. Alan M. Anderson & Bobak Razavi. (2019). "Intellectual Property Rights Post-Trips: The Search for Consistency". *Transnational Dispute Management* 6, No. 2.
8. Brid, Robert & Cahoy, Daniel R. (2018). "The Impact of Compulsory Licensing on Foreign Direct Investment: A Collective Bargaining Approach", *American Business Law Journal* Volume 45. Issue2, 1-48.
9. Bernieri, S. (2019). **How to Build a Great Company, Step by Step, the Common Wealth Club of California.**
10. Betram Boie. (2018). "The Protection of Intellectual Property Rights Through Bilateral Investment Treaties: Is There a Trips-Plus Dimension". Swiss National Center of Competence in Research.
11. Bryan Mercurio. (2016). **Trips Plus Provisions in FTAs: Recent Trends.** Regional Trade Agreements and the Tow Legal System Lorand Bartels. Federico Orsino, eds. Oxford University Press.
12. Brown, Chester and Miles, Kate. (2022). **Evolution in Investment Treaty and Arbitration,** Cambridge University Press.
13. Betram Boie. (2010). "The Protection of Intellectual Property Rights Through Bilateral Investment Treaties: Is There a Trips-Plus Dimension". Swiss National Center of Competence in Research.
14. Chowla, M Correa. (2015). "Bilateral Investment Agreements: Agents of New Global Standards for the Protection of Intellectual Property Rights". available at www.grain.org.
15. Carlos M Correa. (2019). **Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights, A commentary on The Trips Agreement.** Oxford University Press.
16. Gibson, G. and Langen, F. (2019). "Critical Success Factors of the Survival of Start-Ups with a Radical Innovation". *Journal of Applied Economics and Business Research*, 2(3), 155-171.
17. Henning Grosse Ruse – Khan. (2021). "Protecting Intellectual Property Under BITs, FTAs and Trips: Conflicting Regimes or Mutual Coherence?". Max Planck Institute for Intellectual Property and Competition Law Research Paper. No. 11-02.
18. Lahara Liberti. (2010). **Intellectual Property Rights in International Investment Agreements: an Overview OECD Working Papers on International Investment.** OECD Publishing.
19. Markus Parkas & James M. Hosking. (2019). "The Protection of Intellectual Property Rights Through International Investment Agreements: Only a Romance of True Love?". *Transnational Dispute Management* 6. No.2. 10-11
20. Mercurio, Frane Houde (2016). **Novel Feature in Recent OECD Bilateral Investment Treaties.** International Investment Perspectives. 2006 Edition –IS BN. OECD.
21. Peter, S. S. and Biemans, M. (2012). **De Beset Undernamed: Conditions Boor undernamed Success, Breakeven: Universities Nyen rode.**

22. South Center. (2016). **Intellectual Property in Investment: The Trips-Plus Implications for Developing Countries**. South Center Analytical Note.
23. Tsai-lu yin, H. (2019). **Sustained Innovation Management: Assimilating Radical and Incremental Innovation Management**, Basingstoke England: Palgrave Macmillan in Association with the European Institute for Technology and Innovation Management.
24. David Vivas-Eugui. (2021). "**Regional and Bilateral Agreements and a Trips-Plus World. Trips Issues Paper**". Quaker United Nation Office & International Center for Trade and Sustainable.
25. UNCTAD. (2007). **Intellectual Property Provisions in International Investment Agreements**. United Nation Conference on Trade and Development. Geneva.